

باخوان ثالث

شعر اول:

ما چون دودریچه، روبه روی هم
آگاه ز هر یگومگوی هم
هر روز سلام و پرسش و خنده
هر روز قرار روز آینده
عمر آینه بهشت، اما... آه
بیش از شب و روز تیرودی کوتاه
اکنون دل من شکسته و خسته است
زیرایکی از دریچه‌ها بسته است
نه مهر قفسون، نه ماه جادو کرد
نفرین به سفر که هر چه کرد او کرد

شعر دوم:

گفت و گوز پاک و ناپاک است
وز کم و بیش زلال آب و آینه
وز سیوی گرم و پر خونی که هر ناپاک یا
هر پاک
دارد اندر پستوی سینه .
هر کسی پیمانه‌ای دارد که پرسد چند و
چون ازوی
گوید: «این ناپاک و آن پاک است
این، بسان شنیم خورشید
و آن، بسان لیسکی لولنده در خاک است».
نیز من پیمانه‌ای دارم
باسوی خویشت، کزان می‌تراود هر
گفت و گوز در دناک افسانه‌ای دارم:
«ما اگر چون شنیم از پاکان
یا اگر چون لیسکان، ناپاک
گر نگین تاج خورشیدیم
ورنگون ژرفنای خاک
هر چه ایم، آلوده ایم، آلوده ایم، ای مرد»
آه، می‌فهمی چه می‌گویم؟
ما به «هست» آلوده ایم، آری
همچنان هستان هست و بودگان بوده ایم،
ای مرد!
نه چوآن هستان اینک جاودانی.
نیست

افسری ز روش، هلال آسا، به سرهامان
ز افتخار مرگ پاکی در طریق پوک.
در جوار رحمت نراستین آسمان،
بغوده ایم، ای مرد!
که دگر پادی از آنان نیست
ور بود، جز در فریب شوم دیگر پاک
جانان نیست.
گفت و گوز پاک و ناپاک است
ما به «هست» آلوده ایم، ای پاک و ای ناپاک.
پست و ناپاک ما هستند
گر همه غمگین، اگر بی غم
پاک، می‌دانی کیان بودند؟
سبز خطان و عزیزانی که الواح سحر را
سرخرو کردند.
آن کیبوترها که زد در خونشان پرپر
سری سرد سپیده دم،
بی جدال و جنگ،
ای به خون خویشن آغشتگان
کوچیده زین تنگ آشیان تنگ
ای کیبوترا!
کاشکی پر می‌زد آن جامرغ در دم، ای
کیبوترا
که من ار مستم، اگر هوشار
- گر چه می‌دانم به «هست» آلوده مَرَدَم
ای کیبوترا.
در سکوت برج بی کس مانده‌تان هموار
نیز در برج سکوت و عصمت غمگین تان،
جاوید،
های پاکان، های پاکان گوی
گریم و غمگین خروشم، زار.

غلط‌نویسیم

بد طولا

در عربی از طولیل به معنای «دراز» دو صفت
تفصیلی ساخته می‌شود: یکی اطول که مذکر
است و دیگری طولی که مؤنث است. کلمه اخیر
در ترکیب ید طولی، کنایه از «توانایی بسیار»
وارد فارسی شده‌است و بهتر است که به صورت
ید طولا نوشته شود. این اصطلاح را گاهی ید
طولانی می‌نویسند و غلط است.

کشک/کشکول

حرف سوم این دو واژه «ک» است و نه «گ».
بنابراین نوشتن آن‌ها به صورت کشک و کشکول
غلط است.

کفّاش

واژه کفش فارسی است و ساختن صیغه مبالغه
کفّاش از آن غلط است، اما امروزه این واژه در
گفتار و نوشتار فارسی چندان رایج شده‌است
که دیگر چاره‌ای جز پذیرفتن آن نیست. البته به
جای آن می‌توان کفشگر یا کفشدوز گفت.

یافت شدن

بعضی این ترکیب را غلط می‌دانند و توصیه
می‌کنند به جای آن یافته‌شدن گفته شود، اما
یافت شدن نیز صحیح است و در متون معتبر
فارسی به کار رفته‌است.

بر گرفته از کتاب «غلط‌نویسیم»
ابوالحسن نجفی

در ستایش نبوغ شعری و موسیقایی «اخوان ثالث»

به مناسبت نود و چهارمین سالروز تولد «م.امید»، یکی از ۵ چهره اصلی جریان شعر نو ی معاصر فارسی از خدمات ارز شمند او به زبان و ادبیات فارسی و همچنین آشنایی اش با موسیقی سنتی ایرانی نوشته ایم



الهه آرانیان

calture@khorasannews.com

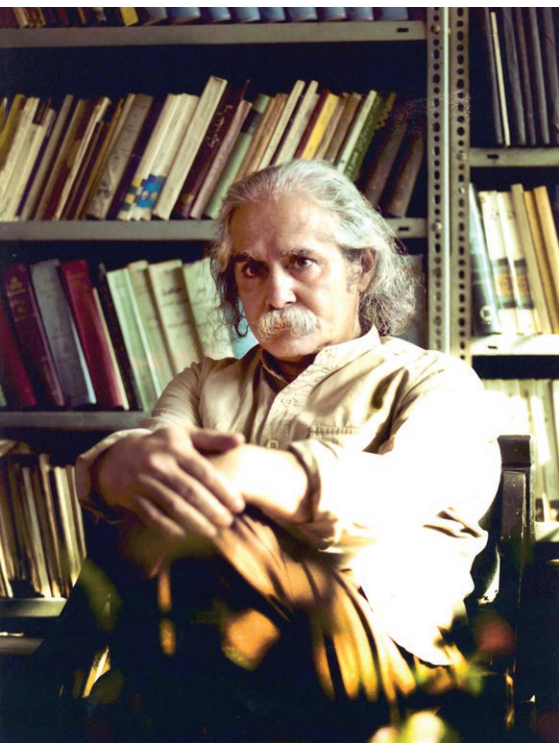
بیشتر ما او را با شعر «ز مستان» می‌شناسیم. مهدی اخوان ثالث، در دهمین روز آخرین ماه زمستان در سال ۱۳۰۷ به دنیا آمد و ۶۱ سال زندگی کرد و فضاهای شاعرانه تازه‌ای به زبان فارسی و دوستدارنش هدیه داد. اخوان ثالث را بیشتر با شعرهای نو و نوپرداز ی هایش می‌شناسیم، اما دانش وسیع و اشراف کامل بر گنجینه ادبیات قدیم فارسی و سرودن اشعار اولیه در قالب‌های کهن فارسی بود که باعث شد اخوان ثالث یکی از پنج چهره اصلی جریان شعر نو ی معاصر فارسی باشد. بسیاری از کارشناسان ادبیات معتقدند اخوان ثالث راه نیمایوشیج را در شعر نو کامل کرد و اگر تلاش‌های او نبود، نوپرداز ی در شعر معاصر به جایی نمی‌رسید، اما یکی از جنبه‌های شاعری اخوان، موسیقی‌پژوهی و آشنایی او با موسیقی سنتی ایران است که باعث شده موسیقی در شعرش رو به کمال باشد. او چند صباچی مشق تار کرد و بعد وارد دنیای شعر و ادبیات شد. به مناسبت سالروز ۹۴ سالگی اخوان ثالث، از خدمات ارز شمند این شاعر معاصر به زبان فارسی و همچنین موسیقی‌پژوهی اش نوشته‌ایم.

■ خدمات «م.امید» به زبان فارسی

کار مهمی که اخوان ثالث برای حفظ میراث زبان فارسی کرد، از نبوغ او ناشی می‌شود. شاعری که تحصیلات دانشگاهی در رشته ادبیات فارسی نداشت، اما با آثارش کاری کرد که استادان دانشگاهیان این رشته همچنان در پی کشف راز و رمزهای شعر او هستند. دکتر بهرام پورپروین گنابادی، استاد ادبیات فارسی معتقد است، «اخوان می‌تواند واژه‌های کهن را در کنار واژه‌های امروزی بگذارد و کسی متوجه نشود که این نشان از نبوغ اخوان در زبان دارد. نبوغ زبانی، خود را در واژه، ترکیب‌سازی و نحو جملات نشان می‌دهد و تمام این‌ها باید در خدمت ریتم باشد که اخوان به خوبی دارای این نبوغ است. شفیهی که کنی می‌گوید: «بعضی وقت‌ها اخوان نادانسته حرف‌هایی می‌زد که آن حرف‌ها آن قدر عمیق و بلند بود که می‌شد این‌ها را با آب طلا نوشت و اگر آن حرف‌ها از زبان یک فیلسوف فره‌نگی بیرون می‌آمد، در دنیا فرای‌اگیر می‌شد» اما به گمان من آن حرف‌ها نادانسته نیست و خیلی هم دانسته بوده، چون نگاه که می‌کنیم متوجه می‌شویم با نابغه‌ای روبه‌رو هستیم که در زبان و فهم شعر دارای نبوغ است و آن چیزی را می‌فهمد که دیگران از آن عاجز هستند. شعر اخوان ثالث را که می‌خوانی، زبان و لحنش یادآور شاهنامه فردوسی است. اخوان، حکم فردوسی دوره معاصر را دارد. مانند حکیم توس که نجات‌دهنده زبان فارسی در روزگار خود بود، او هم شوعی معاصر فارسی را از آفات و آسیب‌ها نجات داد و اجازه نداد زبان شعر، اسیر بی‌قیدی‌ها و تنقن‌ها شود.

■ عشق و علاقه اخوان ثالث به موسیقی نواحی

یکی از جنبه‌های کمتر شناخته‌شده اخوان ثالث، آشنایی او با موسیقی ایران و نوازندگی است. این شاعر نامدار، در نوجوانی نواختن تار را آموخت



و همین باعث شد که به شعر و ادبیات هم علاقه‌مند شود، اما آن‌چه مانع پیشرفت او در موسیقی شد، مخالفت جدی پدرش با موسیقی و نوازندگی بود. اخوان در این باره گفته‌است: «مشکلی که من داشتم، پدرم بود که به قول معروف قدم‌ها نمی‌خواست روی خوش به پچه‌اش نشان بدهد؛ یعنی اغلب، اخم‌هایش در هم کشیده بود و من مانده بودم چه کنم. پدرم گفت: باباجان، این کار را دیدگه نکن. گفتم: چه کاری؟ گفت: هومونی که گفتم. خب البته فهمیدم چه می‌گوید. بعد گفتم: چرا آخر باباجان؟ مثلاً به چه دلیل؟ گفت: این نکیبت داره... از این حرف‌هایی که می‌شد نصیحت کرد».
اخوان با همه علاقه‌اش به موسیقی سنتی ایران، به آن انتقاد هم داشت و معتقد بود که این هنر که همیشه همپای شعر بوده، در جریان نوپرداز ی در شعر، به‌روز نشده و همچنان بر سر درواهی سنت و نوآوری ایستاده است. او البته راه حلی هم برای این مشکل دارد و در این باره می‌گوید: «موسیقی ما کاشکی برای حال و آینده‌اش از موسیقی غرب، بعضی پندها و پیوندها بگیرد و به بعضی از چشم‌اندازهای نجیب آن نگاهی بکند». اخوان به موسیقی نواحی ایران، به ویژه دیار خودش، خراسان عشق می‌ورزید و اشعارش در باره حسین سمندری و ابراهیم شریف‌زاده، نوازندگان نامی موسیقی خراسان، گواه این ادعاست. این شاعر در اشعاری که در سال ۶۳ برای استاد سمندری سروده و متن آن در کتاب «تورای کهن بوم و بر دوست دارم» آمده، در وصف او گفته‌است: «قربان زخمه‌های تو خون‌پاش و نغمه‌یز / «سبزپری است این که زنی یا «شتر خجو» / تو با دوسیم، محشر کبری به‌پا کنی / شش تار خویش من شکم یانه؟ هان بگو / از پنجه‌توز خم جگر، خون دل چکان / مضرب امن برنجی و مومی ست، سیم مو».

فرازهای خواندنی از زندگی و آثار «هرتا مولر»، نویسنده نامدار اهل رومانی

ترس؛ مشوق نویسندگی برنده جایزه نوبل!



نویسنده و مترجم، پروانه موقی

calture@khorasannews.com

نه رؤیاسر دازی در شبانه‌روزی، نه علاقه عجیب و غریبی که از سر دلخوشی باشدونه تشویق اطرافیان، هیچ کدام از این‌ها دلیل اصلی شروع به کار هرتا مولر، نویسنده بزرگ رومانیایی در عرصه رمان‌نویسی نیست. شاید تعجب‌کنید اگر بدانید، شعله‌ور و شنبایی بخش نویسنده‌ای را در ذهن هرتا مولر، چیزی روشن نکرد به جز «ترس». زیستن زیر سایه استبداد نازی‌ها در رومانی و رفتار خشونت‌بار پدرش که عضو ارتش نازی بود، زندگی خانوادگی او را به شدت تحت تأثیر قرار داد. تفکرات استبداد آمیز کمونیستی تا عمق بنیان خانواده او رسوخ کرده بود، حتی مادرش را برای کار به اردوگاه‌های اجباری برده بودند. نظام کمونیستی نیکلای چائوشسکو، (دبیر کل حزب کمونیست رومانی) ترس را تا مغز استخوان هرتا مولر رسانده بود، او با این حال نویسندگی را شروع کرد و عقابت هم همین نوشته‌ها بود که او را مجبور به مهاجرت اجباری کرد. هرتا مولر در سال ۱۹۵۳ در یک اقلیت آلمانی زبان در رومانی به دنیا آمد، هم به عنوان یک نارضی سیاسی توسط مقامات هدف آزار و اذیت قرار گرفت و هم از جامعه خود طرد شد. هرتا مولر می‌توان جزو معدود نویسندگانی دانست که با استفاده به موقع و به جا از کلمات و بهره بردن از حال و هوای شاعرانه دو دلیل اصلی فضاهایی را در ذهن مخاطب نقاشی می‌کند که تا مدت‌ها ماندگارند. بی‌گمان اتکا به تجربیات زیسته و بهره بردن از روح شاعرانه دو دلیل اصلی ماندگاری آثار این نویسنده به‌شمار می‌آید. برای بررسی بیشتر موضوعاتی که بر ذهن هرتا مولر در راستای خلق چنین شاهکارهایی اثر گذار بوده،

تعدادی از متون منتشرشده در روزنامه گاردین را به فارسی برگردانده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ از اتهام جاسوسی برای کمونیست‌ها تا جاسازی دستگاه شنود در خانه هرتا مولر

در سال ۱۹۶۵ «هرتا» ۱۲ ساله بود که نیکلای چائوشسکو قدرت را در رومانی به دست گرفت. مولر در اوایل دهه ۱۹۷۰ در حالی که در دانشگاه تیمیشوارا در رشته ادبیات آلمانی و رومانیایی تحصیل می‌کرد به یک گروه نویسندگان مخالف حکومت استبدادی نازی‌ها پیوست. در آن زمان با چاپ آثار او که در حمایت از آزادی بیان و آزادی فردی می‌نوشت، مخالفت می‌شد. در نهایت آن قدر عرصه را برایش تنگ کردند که به همراه همسر اولش ریچارد و اکثر درخواست مهاجرت کرد، اما با درخواست آن‌ها مخالفت شد. او که تصمیم خود را گرفته بود به آلمان غربی فرار کرد. در آلمان غربی هم سیاست، روی خوشی به او نشان نداد و همواره در معرض اتهام‌هایی از جمله خبرچینی برای پلیس مخفی حزب کمونیست حکومت استبدادی چائوشسکو قرار گرفت. هرتا مولر که حالات تبدیل به نویسنده‌ای سرشناس شده بود و همه او را با داستان‌های اعجاب‌آور شاعرانه‌اش می‌شناختند، در سخنرانی نوبل در سال ۲۰۰۹ توضیح داد که چگونه او شغل خود را برای ترجمه کتابچه‌های راهنما در یک کارخانه تراکتورسازی به این دلیل که نمی‌خواست توسط مردمی استخدام شود که او را عوضی و لگرمی نامید از دست داد. بعدها، رئیس امنیت منطقه‌ای آن زمان اعتراف کرد که در خانه او دستگاه‌شنود کار گذاشته و بعد از این اظهار نظر، هرتا مولر را روانی خطاب کرد. مولر در نوشته‌هایش همواره واقعیت‌های زندگی در دوران حکومت استبدادی را روایت می‌کند.

■ روایت تجربه و اندوه بازبانی شاعرانه

هر کدام از ما که آثار هرتا مولر را خوانده باشیم، از ترکیب‌سازی‌های او مانند دیدن یک شعبده‌بازی خلافتانه متعجب شده‌ایم. او درباره اهمیت و به کارگیری در ست‌زبان و کلمه در نوشته‌هایش می‌گوید: «کار با کلمات و زبان، برای من زیبایی می‌طلبد. شک دارم که بتوانید این کار را در خاطره نویسی به همین شکل انجام دهید». نثر آلمانی او با اختراع کلمات عجیب و غریبی ساخته شده است. کتاب فرشته گرسنگی که با نام «اردوگاه عذاب» به فارسی ترجمه شده یکی از آثار اوست که زندگی اقلیت آلمانی تحت سلطه حکومت کمونیستی را روایت می‌کند. داستان شخصیت اصلی این رمان با نام «لئو اوبرگ» بر اساس زندگی واقعی شاعری به نام اسکار باستیور نوشته شده که در ۱۷ سالگی به

همراه تعداد زیادی از افراد دیگر به اردوگاه‌های کار اجباری تبعید شد تا اقتصاد متلاشی شده شوروی را بازسازی کنند. مادر مولر نیز از جمله تبعیدشدگان سر تراشیده بود که سه سال قبل از تولد او از همین اردوگاه‌های اجباری به دانه بازگشت. مولر می‌گوید: «کودک که بودم، مادر مرا پیرزنی می‌دانستم که همه

اخوان ثالث

بهترین شاعر نیمایی زمان خود

ر هبر انقلاب در دیدار با شاعران در تاریخ ۲۵ شهریور ۸۷، اخوان ثالث را بهترین شاعر نیمایی زمان خود دانسته و گفته‌اند: «در عرصه شعر نو، مرحوم اخوان که قطعه بهترین شاعر نیمایی زمان خودش بود و به نظر من از همه اقرا نش قوی‌تر، مسلط‌تر و لفظ و معنای شسته‌رفته و بهتری داشت. در یک گوشه‌ای زندگی می‌کرد؛ کسی از او خبری نداشت؛ کسی او را نمی‌شناخت، جز یک عده خاص، در حال عزلت و انزوا؛ یعنی وضع عرضه شعر این بود». ایشان همچنین در دیدار با شاعران در سال ۹۵ نیز به یکی از اشعار مرحوم اخوان ثالث اشاره می‌کنند: «من پار سال این شعر اخوان را این‌جا خواندم که البته او برای مقصود دیگری گفته است: «ای تکیه‌گاه و پناه زیباترین لحظه‌های پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من، ای شط شیرین پر شوکت من»، ببینید چقدر این شعر قشنگ است. من گفتم وقتی این شعر را می‌خوانم، مخاطب من در این شعر دعاست. دعا همین است: «ای تکیه‌گاه و پناه زیباترین لحظه‌های پر عصمت و پر شکوه تنهایی و خلوت من، ای شط شیرین پر شوکت من». البته او این شعر را در یک مسیر دیگری برده، خب حالا اگر شما بتوانید شعر مربوط به دعا را با این جور ادبیاتی که هم الفاظ قشنگ است، هم مضامین قشنگ است، مضمون‌ها چقدر زیباست، موسیقی شعر چقدر عالی است- موسیقی شعر خودش یک بابی است، آن روانی و زیبایی و صافی و موسیقی شعر از حالت لکنت زدن و مانند این‌ها شعر را خارج می‌کند- با این مایه‌ها و با این شیوه‌ها بگویید، به نظر من خیلی خوب است».



روستاییان از او افرادی که به این اردوگاه‌ها تبعید شده بودند شناخت کامل داشتند، اما هیچ‌کس اجازه نداشت درباره این موضوع صحبت کند.»

■ رمان‌هایی از جنس حقیقت

پدر «هرتا» که یک کارگر مزرعه و الکی بود از داوطلبان محلی پیوستن به ارتش هیتلر بود. هرتا می‌گوید: «او مردی ساده و لجباز بود. وقتی درباره جنایات نازی‌ها صحبت می‌کردم، او همیشه می‌گفت: «خب، ببین روس‌ها چه کردند». وقتی روی کفش‌هایش آب دهان می‌انداخت تا حساسی آن‌ها را برق بیندازد، می‌گفتم: آه، این کاری است که یک نازی انجام می‌دهد. قرار گرفتن پدرم در سمت قاتلان، وحشتناک بود. «مرگ پدر این نویسنده رومانیایی بر اثر بیماری کبد، چاپ‌اولین کتاب او با نام «نادیرس» (۱۹۸۲) رقم‌زد. سال ۱۹۸۴، کتاب دوم خود یعنی «تانگوی غم‌انگیز» را منتشر کرد، این کتاب نیز درباره سرکوب و خفقان سیاسی نازی‌ها بود که در رومانی مجوز چاپ گرفت. کتاب «گذر نامه» (۱۹۸۶)، اولین رمان او به زبان انگلیسی بود. همچنین کتاب «سرزمین گوجه‌های سبز» (۱۹۹۳) در سال ۱۹۹۸ برنده جایزه «دوبلین ایمپک» شد. اگر بخوایم درباره آثار هرتا مولر نظریه‌ای کلی صادر کنیم باید بگوییم که او در آثار خود تلاش می‌کند تا زندگی داخلی رومانی را به‌طور یک‌شده. آثار او کاملاً رنگ و بوی حقیقت دارند. به همین دلیل است که توانست در سال ۲۰۰۹، جایزه نوبل ادبیات را به خود اختصاص دهد.



ادبی

راه اندازی مرکز آموزش زبان فارسی در عمان



به گزارش روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، علی نجفی سفیر جمهوری اسلامی ایران در عمان ضمن حضور در غرفه کشورمان در بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسقط از راه‌اندازی مرکز آموزش زبان فارسی در عمان خبر داد و گفت: در پی استقبال مردم عمان از کتاب‌های آموزش زبان فارسی، اقبال و مطالعه کتاب‌ها و یادگیری فارسی، به دنبال راه‌اندازی مرکز آموزش زبان فارسی هستیم. بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسقط از سوم اسفند ۱۴۰۱ با حضور ۸۲۶ ناشر از ۳۲ کشور از جمله لبنان، سوریه، عراق، کویت، ترکیه، ایتالیا، سوئد، عربستان، امارات و... آغاز به کار کرده و تا ۱۲ اسفند در محل برگزاری سالن بین‌المللی نمایشگاه‌های مسقط به کار خود ادامه می‌دهد.

چرا شعر سپید؟ چرا شاملو؟



یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایی که در حوزه شعر منتشر شده، «شعر سپید» (پژوهشی تطبیقی در باب قالبی بی‌قافیه) نام دارد. به گزارش ایسنا، این اثر به تألیف مهدی علیایی مقدم در نشر نامک با شمارگان ۸۸۰ نسخه با قیمت ۱۲ هزار تومان روانه بازار نشر شده‌است. این کتاب، پژوهشی است درباره قالب شعر سپید یا بی‌قافیه که در دو فصل «شعر سپید» و «شعر سپید فارسی» تنظیم شده‌است. نویسنده در فصل اول به قالب شعر سپید در سه ادبیات انگلیسی و فرانسوی و عربی می‌پردازد، فصل دوم نیز شامل بخش‌های سابقه شعر بی‌قافیه (در پیش و پس از اسلام)، آشنایی نخستین با شعر سپید، شعر سپید و شعر آزاد، شعر آزاد شاملو و شعر سپید (در ادبیات معاصر) است. در واقع این کتاب بررسی شعر سپید را در دلالت اصیل آن مدنظر دارد و همان‌طور که نویسنده در پیش‌گفتار کتاب آورده: «این کتاب در پی آن نیست که مطالبی درباره شعر سپید، در معنای مصطلح آن در فارسی، به دست دهد.»

بازگشت موراکامی ۶ سال پس از «کشتن شوالیه دلیر»



انتشارات شینچوشای ژاپن اعلام کرد نخستین رمان هاروکی موراکامی، نویسنده برجسته ادبیات داستانی ژاپن و جهان پس از ۶ سال در آوریل ۲۰۲۳ (نیمه فوروردین ۱۴۰۱) منتشر می‌شود. موراکامی آخرین اثرش را با عنوان «کشتن شوالیه دلیر» سال ۲۰۱۷ منتشر کرد و پس از آن خبری از او در جهان ادبیات داستانی نشد. از هاروکی موراکامی به عنوان استاد نوشتن داستان موقعیت یاد می‌شود. موراکامی در ایران بیشتر با رمان «کافکا در کرانه» با ترجمه مهدی غبرایی شناخته می‌شود. البته این کتاب را گیتا گرکانی با عنوان «کافکا در ساحل» نیز ترجمه کرده است، ضمن این‌که آسیه و پروانه عزیزی نیز دیگر مترجمانی بودند که این اثر را (از انگلیسی) به فارسی برگردانده‌اند. رمان‌های «تعقیب گوسفند وحشی»، «جنگل نروژی»، «پس از تاریکی» و مجموعه داستان‌های «کجا ممکن است پیدایش کنم» و «ابر قورباغه‌ای که توکیو را نجات داد» بیش از دیگر آثار موراکامی در ایران محبوبند.

صفحه آرایی

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com